

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی- پژوهشی

سال یازدهم- شماره سوم- پاییز ۱۳۹۷- شماره پیاپی ۴۱

زندگی، زمانه و زمینه‌های مشترک فکری عبدالرحیم طالبوف، زین‌العابدین

مراغه‌ای و میرزا حبیب اصفهانی

(ص ۳۹۵-۳۷۷)

مهرداد نصرتی^۱، دکتر فاطمه حیدری^۲ (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت مقاله: تابستان ۱۳۹۶

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: تابستان ۱۳۹۶

چکیده

قرن سیزدهم شمسی، نمایندگان فکری برجسته‌ای در میان نویسندگان دارد که آثارشان در تحقق انقلاب مشروطه و پیشبرد اهداف این انقلاب تأثیر انکارناپذیری دارد که از بین این افراد نامهایی مانند عبدالرحیم طالبوف، فتحعلی آخوندزاده، میرزا ملکم خان، زین‌العابدین مراغه‌ای و میرزا حبیب اصفهانی، نامهای شنیده شده‌تری هستند که هم از اوضاع اجتماعی زمان خود تأثیر پذیرفته‌اند و هم تأثیر خود را بر شرایط عصر خود گذاشته‌اند و با نوشته‌های خود در قالب مقاله، نمایشنامه، سفرنامه، رساله، رمان و ترجمه، سهم عمده‌ای در روشنگری مردم و بالا بردن سطح آگاهی‌های اجتماعی و در نهایت پیروزی انقلاب مشروطه داشته‌اند. در این مقاله زندگی، عصر و زمینه‌های مشترک فکری عبدالرحیم طالبوف، زین‌العابدین مراغه‌ای و میرزا حبیب اصفهانی را بررسی کرده‌ایم تا به پاسخ این پرسش برسیم که دلیل موضوعات مشترکی که عبدالرحیم طالبوف، زین‌العابدین مراغه‌ای و میرزا حبیب اصفهانی در آثار خود به آن پرداخته‌اند، آیا زمینه فکری و زمانه مشترک این سه نویسنده است؟

کلید واژه‌ها: عبدالرحیم طالبوف، زین‌العابدین مراغه‌ای، میرزا حبیب اصفهانی، انقلاب مشروطه، مسالک المحسنین، حاجی بابا اصفهانی، سیاحتنامه ابراهیم بیگ.

^۱ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

mehrdad_nosrati88@yahoo.com

^۲ - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

fateme_heydari10@yahoo.com

۱- مقدمه

آنچه در تاریخ تحت عنوان عصر روشنگری معاصر ایران در پرتو انقلاب مشروطه به آن پرداخته شده، در آثار بیشتر پژوهشگران این حوزه، نتیجه بیداری و آگاهی‌ای است که به واسطه شکست خوردن ایران در جنگ‌هایش با روسیه حاصل شده است: «نطفه آگاهی تاریخی جدید ایرانیان به دنبال شکست ایران در جنگ‌های ایران و روس بسته شد و با پیروزی جنبش مشروطه‌خواهی و ایجاد نظام حکومت قانون نیز به طور گسترده‌ای جانشین آگاهی کهن شد. از نظر تاریخ و تاریخ اندیشه در ایران، تکوین این آگاهی تاریخی جدید، در دو سده‌ای که از شکست ایران در جنگ‌های ایران و روس می‌گذرد، خاستگاه همه دگرگونی‌های این کشور بوده است... به دنبال شکست ایران و روس، برهم خورد و در هماهنگی آن عناصر که به دنبال بحران در آگاهی انسجام نظام وجوه متفاوت عناصر تاریخی و فرهنگی ایران و وحدت آنکه از ویژگی‌های دوران قدیم بود، زمان ویژه خود را داشتند، خللی به وجود آمد و وحدتی که به نوعی تا یورش افغانان و حتی سده‌ای پس از آن وجود داشت، تجدید نشد. در سده‌های متأخر، در دوره فرمانروایی صفویان، زمان واحدی بر قلمروهای مختلف حیات اجتماعی ایران فرمان می‌راند و نوعی وحدت ساختاری و ضرباهنگ زمانی میان این قلمروها وجود داشت. به گونه‌ای که به عنوان مثال، شیوه‌های حکومتی واداری صفویان، حکمت متعالیه مکتب شیراز، اسلوب معماری و شهرسازی و ساختار ذهن ایرانیان از وحدتی برخوردار بود. درحالی‌که با شکست ایران در جنگ‌های ایران و روس، رخنه‌ای بی سابقه در ارکان این وحدت افتاد. تخالفی میان قلمروهای متفاوت پدیدار شد و هر قلمرویی، ضرباهنگ دگرگونی متفاوتی پیدا کرد.» (تأملی درباره ایران، طباطبایی: ۳۱-۳۴)

در کنار این عامل، عوامل متعددی هم برشمرده‌اند که به اختصار می‌توان برخی از آنها را تحت عنوان نقش منطقه آذربایجان و شهر تبریز در روشنگری و جماعت عظیم کارگرانی که با قفقاز در رفت و آمد بودند (مبانی فکری ادبیات مشروطه، اکبری بیرق: ۴۰)، تجربه مشروطه خواهی و انقلابی‌گری کشورهایمانند مصر، عثمانی، هند و روسیه (خاطرات سیاسی رجال ایران، تقی زاده: ۴۵ و تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، حائری: ۱۶)، آوردن معلمان اروپایی، اعزام محصلان ایرانی به اروپا و تأسیس چاپخانه در ایران (یاد آر ز شمع مرده یاد آر، نصرتی: ۵۵-۵۴)، انتشار روزنامه‌های فارسی زبان در خارج از ایران (تاریخ بیداری ایرانیان، کرمانی: ۵۵۹)، تأسیس دارالفنون در راستای اقناع نیاز جامعه ایران به

دانستن تاریخ و علوم غرب نام برد که در منابع مختلف به آن پرداخته‌اند. طبیعی است آنچه در انقلاب مشروطه رخ می‌دهد، محصول همه این عوامل و البته عوامل متعدد دیگری است که پرداختن به هر یک موضوع و مستلزم مقاله‌ای مفصل و مجزاست. آنچه این مقاله به دنبال آن است بررسی زمینه‌های مشترک فکری در آثار عبدالرحیم طالبوف، زین‌العابدین مراغه‌ای و میرزا حبیب اصفهانی است و رسیدن به پاسخ این پرسش است که دلیل موضوعات مشترکی که عبدالرحیم طالبوف، زین‌العابدین مراغه‌ای و میرزا حبیب اصفهانی در آثار خود به آن پرداخته‌اند، آیا زمینه فکری و زمانه مشترک این سه نویسنده است؟ دلیل انتخاب این سه نفر از بین انبوه نویسندگان واجد شرایط آن عصر نیز، این است که هر سه نویسنده یاد شده، به دلایلی در جوانی از ایران رفته و در خارج از کشور اقامت کرده‌اند و همان‌جا نیز در گذشته‌اند. این سه تن به دلایل متعددی نظیر آگاهی از وضعیت سیاسی اجتماعی ایران، اشراف بر زبان مادری و دانستن چند زبان بیگانه، حشر و نشر با روشنفکران، شخصیت‌های سیاسی و پاره‌ای از دولت‌مردان و اقامت طولانی مدت در خارج از کشور، تحلیل خوبی از اوضاع ایران و جهان داشتند و آشنایی با ادبیات جهان، این قابلیت را به آنها داده بود که شیوه‌ها و قالب‌های نوشتاری نوین روز دنیا را بشناسند و نمونه‌های آن را در زبان فارسی باز آفرینی کنند و متناسب با شرایط آن روزهای ایران، آثاری خلق کنند که ترجمان حال و روزگار مردم ایران بوده و مخاطبان فراوانی داشته است.

۲- پیشینه، ضرورت و روش تحقیق

بی تردید بررسی آثار طالبوف، زین‌العابدین مراغه‌ای و میرزا حبیب اصفهانی که طبیعتاً بررسی افکار و عصر آنها را هم شامل می‌شود، موضوعی است که خواه ناخواه پای حدود صد و پنجاه سال از تاریخ معاصر را به میان میکشد که میتواند شامل تمام دوره سلطنت قاجاریه و پهلوی اول شود و با کمی اغماض می‌توان از سلطنت فتحعلی شاه به این طرف را بررسی کرد. ضرورتی هم که انجام این پژوهش را ناگزیر میکند، تأثیری است که نویسندگان یاد شده بر جریان اندیشگانی و نوآوری ادبی می‌گذارند و تأثیر اینها بر ادبیات و جریان عصر خود غیر قابل انکار است. اتفاقات این فاصله زمانی، فراوانند و درباره آنها فراوان کتاب نوشته شده است. طبیعی است که عصر مورد بحث که عصر نویسندگان مورد بررسی را هم در بر میگیرد، در منابع متعددی مورد پژوهش قرار گرفته که نام بردن این همه منبع، خود رساله جدایی را می‌طلبد و می‌تواند موضوع کتاب مفصل مستقلی باشد. از این رو به اختصار از آثاری نظیر

«تاریخ مشروطه» احمد کسروی، مجموعه دو جلدی «از صبا تا نیما» یحیی آرین پور و البته کتاب از «نیما تا روزگار» همین نویسنده، مجموعه دو جلدی «دیداری با اهل قلم» دکتر غلامحسین یوسفی، آثار متعدد فریدون آدمیت درباره شخصیت‌های یاد شده یا معاصرانشان و یا سیر تحولات اجتماعی زمان مورد بحث نظیر «اندیشه‌های طالبوف تبریزی»، «اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده»، «اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی» «فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران»، «ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران»، آثار نویسندگان یاد شده نظیر «کتاب احمد» و «مسالك المحسنين» و ... طالبوف، رساله‌های میرزا ملکم خان، «سیاحتنامه ابراهیم بیگ» زین‌العابدین مراغه‌ای می‌توان نام برد که به این فهرست مفصل، باید انبوه رساله‌های دانشگاهی را هم اضافه کرد که در زمینه سبک شناسی آثار نویسندگان یاد شده و تحولات اجتماعی عصری که در آن زیسته‌اند، پدید آمده‌اند. روش تحقیق در این مقاله، کتابخانه‌ای است.

۳- زندگی و آثار سه نویسنده

۳-۱- میرزا حبیب اصفهانی

حبیب اصفهانی مشهور به میرزا حبیب اصفهانی، از پیشگامان تحول در نثر و ترجمه فارسی، روشنفکر، مترجم و شاعر ایرانی قرن سیزدهم هجری است که به لحاظ انتسابش به قریه بن از توابع فعلی چهار محال و بختیاری که اینک نزدیک شهرکرد است، از سوی افراد محلی میرزا حبیب بنی و میرزا حبیب دستان بنی نامیده شده است که البته ضبط نام وی به این شکل در متون قاجاری و بعد از آن سابقه ندارد

میرزا حبیب دستان بنی در سال ۱۲۵۰ هجری قمری در خانواده‌ای روستایی و کاتب در شهر بن (اکنون مرکز شهرستان بن در استان چهارمحال و بختیاری) به دنیا آمد. خود وی در مقدمه یکی از کتابهایش اصلیتش را به منطقه قره باغ در آذربایجان می‌رساند. وی از سوی افراد محلی «میرزا حبیب بنی» و «میرزا حبیب دستان بنی» نامیده شده است که البته ضبط نام وی به این شکل در متون قاجاری و بعد از آن سابقه ندارد. وی به سبب اقامت طولانی در استانبول، نزد ترکها به «حبیب افندی» و «میرزا حبیب افندی» شهرت یافته است. وی تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش، بن، به پایان برد و به قصد ادامه تحصیل به تهران و بغداد سفر کرد و در این دو شهر چند سالی به تحصیل مشغول بود. گفته‌اند که در

بغداد ادبیات، فقه و اصول و چند زبان آموخته و به محفل‌های بابی مسلکان، تبعیدیان و ناراضیان سیاسی آمدورفت داشته است. (از صبا تا نیما، آرین پور: ۳۹۵) میرزا حبیب اصفهانی پس از بازگشتن به تهران، با روشنفکران و به ویژه با میرزا ملکم خان ناظم الدوله حشرونشر داشته است. در تهران به لامذهبی، دهری‌گری و بی‌دینی و بابی‌گری متهم شد. (سفرنامه حاجی پیرزاده، پیرزاده نائینی: ۹۵) قدر مسلم آن که میرزا حبیب در زمره روشنفکران و دگراندیشان زمان خود بود و حکومت وقت دیدگاه‌های انتقادی آنان را می‌شناخت و فعالیت‌هایشان را زیر نظر داشت. کتابچه‌ای در مذمت میرزا محمدخان سپهسالار صدر اعظم مخفیانه نشر دادند که وی را در آن سخت هجو کرده بودند. میرزا حبیب به اتهام نوشتن این کتابچه تحت تعقیب قرار گرفت و در ۱۲۸۳ از ایران گریخت. (سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی، بالایی-کوبی: ۴۲) میرزا حبیب حدود سی سال بازمانده عمر خود را در استانبول از راه خدمت در وزارت معارف عثمانی، تدریس محمد بن علی در معلم‌خانه ایرانیان و مراکز دیگر گذراند. (سفرنامه حاجی پیرزاده، پیرزاده نائینی، همان) عثمانی در آن زمان نهضت تنظیمات را از سر گذرانده بود و استانبول از فعال‌ترین شهرهای اسلامی قرن نوزدهم در اخذ تمدن اروپایی و تشکیل نهادهای مدنی و از مهم‌ترین مراکز تجمع ایرانیان دگراندیش، ناراضی و مخالف دولت و محل انتشار جراید مختلف بود. جرگه‌ای از ایرانیان روشنفکر هم در استانبول تشکیل شده بود که میرزا حبیب به آن محفل و نیز به محافل تجددخواهان رفت و آمد داشت و از طریق آنها با فرهنگ و تمدن غربی آشنا شد. ظاهراً میرزا آقاخان کرمانی دو سال در منزل میرزا حبیب ساکن بوده و نوشته‌های او را به اصطلاح امروزی ویرایش می‌کرده است. این دو با شیخ احمد روحی نیز دوستی و همکاری داشته‌اند. (حیات یحیی، دولت‌آبادی: ۱۵۹) میرزا حبیب در استانبول دو بار ازدواج کرد و یکی از همسرانش چرکس بود. از این دو زن صاحب سه پسر به نامهای کمال، جمال و جلال شد. (سفرنامه حاجی پیرزاده، پیرزاده نائینی، همان) زندگی میرزا حبیب در استانبول با فراز و فرود همراه بود و حتی یک بار مورد غضب مقامات عثمانی قرار گرفت و مدتی کار خود را از دست داد. (از صبا تا نیما، آرین پور: ۳۹۶) برخی اشارات هم حاکی است که در اواخر عمر کاملاً از شر و شور جوانی افتاده و با مقامات سیاسی سفارت ایران در باب عالی نشست و برخاست داشته است. روزنامه اختر که میرزا حبیب هم با آن همکاری داشته، ظاهراً وسیله مناسبی برای جلب و جذب مخالفان سیاسی ایران در عثمانی بوده است. میرزا حبیب در آستانه شصت سالگی به بیماری سختی دچار شد و برای معالجه با آبهای معدنی به بورسه رفت، اما مداوا نشد و در

همان‌جا درگذشت و مدفون شد. تاریخ مرگ وی را ۱۸۹۳/۱۳۱۱ و ۱۸۹۴/۱۳۱۲ ذکر کرده‌اند.

۱-۳ آثار میرزا حبیب اصفهانی

میرزا حبیب، آثار فراوانی از خود به جا گذاشته اما مطرح‌ترین این آثار، ترجمه حاجی بابا اصفهانی جیمز موریه است. «سرگذشت حاجی بابای اصفهانی» نوشته جیمز موریه انگلیسی با ترجمه میرزا حبیب اصفهانی عنوان کتابی است که به شرح حکایتی انتقادی و هجو آلود از اوضاع ایران در عصر فتح‌علیشاه قاجار می‌پردازد. این اثر به نامهای سرگذشت حاجی بابای اصفهانی، حاجی بابا در اصفهان، حوادث زندگانی حاجی بابای اصفهانی و سرگذشت حاجی بابا نیز مشهور است. دستور سخن، دستور پارسی (که خلاصه و کوتاه شده دستور سخن است)، غرایب عواید ملل، برگ سبز (در اصول تعلیم زبان فارسی)، خط و خطاطان، خلاصه رهنمای فارسی (به زبان ترکی)، رهبر فارسی (به زبان ترکی)، چاپ دیوان اطعمه ابواسحاق حلاج شیرازی با شرح لغات در پایان کتاب، دیوان البسه نظام‌الدین محمود قاری یزدی و منتخب عبید زاکانی با مقدمه فرانسوی فرته، دیگر آثار میرزا حبیب هستند که همگی در استانبول چاپ شده‌اند و به هیچ‌وجه شهرت سرگذشت حاجی بابای اصفهانی را ندارند. ایرج افشار معتقد می‌گوید: ایرج افشار می‌گوید: «میرزا حبیب مردی ادیب بود. زبان عربی را نیک می‌دانست و با زبان ترکی آشنایی داشت. زبان فرانسه را نیز در استانبول هنگام تدریس فارسی در مدارس آنجا آموخت و از این سه زبان در تدوین زبان فارسی استفاده کرد و هم او بود که نخستین بار کلمه «دستور» را برای نام قواعد زبان، به جای «صرف و نحو» اختیار کرد. در باب کتاب «حاجی بابا» تحقیقات جمال‌زاده اخیراً به این نتیجه رسیده که ترجمه این کتاب با آن عبارات شیرین و پخته و ممتاز و مشحون از لطایف ادبی جز به قلم میرزا حبیب اصفهانی انجام نگرفته است و پس از آن، استاد مجتبی مینوی در بازگشت از سفر ترکیه، عکس آثار خطی و چاپ نشده میرزا حبیب را که در کتابخانه دانشگاه استانبول موجود و ترجمه حاجی بابای اصفهانی نیز جزو آنها بود، به ارمغان آورد و با پیدا شدن همین ترجمه به خط میرزا حبیب و مخصوصاً مقدمه کوتاهی که مترجم بر آن نوشته و عیناً نقل می‌شود، دیگر شبهه و تردیدی باقی نماند که این کتاب را میرزا خود از ترجمه فرانسوی آن به فرانسوی آن به فارسی در آورده است.» (سواد و بیاض، افشار: ۳۰)

۲-۳ عبدالرحیم طالبوف

طالبوف در سال ۱۲۵۰ قمری (۱۸۳۴) در محله سرخاب تبریز به دنیا آمد و به اعتبار بسیاری از منابع، در سال ۱۳۲۹ قمری (۱۹۱۱) در تمرخانشوره (دارالحکومه داغستان) درگذشت اما ایرج افشار معتقد است در تاریخ فوت او اختلاف وجود دارد. وی به استناد گزارش روزنامه شمس، به این نتیجه می‌رسد که طالبوف اوایل ماه ربیع‌الآخر ۱۳۲۹ فوت شده اما در عین حال این تاریخ را با نقل مرحوم علامه قزوینی یکی نمی‌داند: «...اما مرحوم قزوینی در یادداشت‌های وفیات معاصرین، مندرج در مجله یادگار، تاریخ وفات او را اواخر سال ۱۳۲۸ هجری ضبط کرده‌اند.» (آزادی و سیاست، افشار: ۱۶) طالبوف در خانواده‌ای کودکی و نوجوانی خود را گذراند که روزگار خود را با شغل درودگری می‌گذراندند. پدر وی شیخ ابوطالب بن علیم‌راد بود که اگر چه پیشه نجاری‌اش، شغل آینده عبدالرحیم نشد اما شغل و نام و یادش تا پایان عمر در امضای پسرش محفوظ ماند: عبدالرحیم بن ابوطالب نجار تبریزی. (درباره ادبیات نوین ایران پیش از نهضت مشروطیت، بهبودی: ۸۱)

طالبوف تا ۱۶ سالگی در زادگاهش ماند و تحصیلات مقدماتی خود را با آموزشهای صرف و نحو و منطق و فلسفه و فقه، در مدرسه طالبیه تبریز فراگرفت اما در این سن که مصادف بود با مرگ محمدشاه و به تخت نشستن ناصرالدین میرزا، عبدالرحیم مرزهای جدید ایران را پشت سر گذاشته، به سرزمینهای از دست رفته، به آن سوی ارس مهاجرت کرد و در تمرخانشوره، مرکز داغستان اقامت گزید و تا آخر عمر همان‌جا ماند. (راهبران فکر مشروطه، امیر احمدی: ۶۸ و بهبودی، پیشین) طالبوف در تفلیس به خدمت مقاطعه‌کاری به نام محمد علی‌خان غفاری درآمد و با فرزندان او هم آشنا شد و از آنان در کتابهای خود به نام اسد و ماهرخ نام برد. (آزادی و سیاست، افشار: ۱۷) طالبوف پس از سالها کار و کوشش، توانست ثروتی بیاندوزد و در تمرخانشوره، مرکز حکومت داغستان، منزل آبرومند و بزرگی تهیه و زندگی دلخواهی را آغاز کند. «وی در قفقاز زنی از مردم دربند را به زوجیت اختیار کرد و از وی یک دختر آورد. این زن شیعی مذهب بود.» (همان)

وی پس از مهاجرت، هم زمان زبان روسی را هم فراگرفت و کم‌کم با تفکر و علوم اروپایی آشنا شد. در مورد علت مهاجرت او دلایل زیادی ذکر شده است. برخی علت اصلی مهاجرت‌های گروهی و فرد در آن برهه زمانی را «نابسامانی اقتصادی و عدم امنیت داخلی» ذکر می‌کنند. (ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، رییس‌نیا: ۱۸۰) برخی دیگر هم دلیل مهاجرت شخص طالبوف را تلاش برای رسیدن به آرزوهای دور و درازی که در سر داشت، می‌دانند

(تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، حائری: ۴۷) به طور کلی دلیل مهاجرت او را با توجه به زمان و مکانی که در آن زندگی طی کرد، می‌توان در جهت علم آموزی و کسب و کار دسته بندی کرد؛ بنابراین تحصیل و تجارت، می‌تواند دو انگیزه قوی طالبوف در سفرش به تفلیس روسیه بوده باشد. انگیزه‌هایی که هر دو به بار نشست و او را هم تاجر موفق‌تری شد و هم به دلیل آموختن زبان و ادبیات روسی، دنیای تازه‌ای از علوم و معارف دنیای متمدن غرب را به روی خود گشوده دید.

۱-۲-۳ آثار طالبوف

طالبوف آثار خود را در دو دهه پایانی عمر خود منتشر کرد: «آثاری که طالبوف ترجمه کرده و از سال ۱۸۹۰ تا ۱۹۱۱ چاپ و منتشر شده، گواهی است بر فعالیت بی‌وقفه او در طول بیست سال آخر زندگی در جهت بیداری جامعه ایران و رهایی فکری و سیاسی آن.» (سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی، بالایی-کوبی: ۴۰) فریدون آدمیت توضیح کامل‌تری دارد: «طالبوف، هیچ‌گاه علم را رها نکرد... کتابخانه مفصلی ترتیب داد. از آن پس به کار نگارش دست برد. گفتنی است همه آثارش را از حدود پنجاه و پنج سالگی به بعد نوشت. بیست و چند سال بقیه عمرش را به ترجمه و نگارش و نشر آثارش پرداخت.» (اندیشه‌های طالبوف تبریزی، آدمیت: ۱۶) وی درباره آثار طالبوف معتقد است: «آثار طالبوف به ترتیب تاریخ نشر بدین قرار است: نخبه سپهری، اسلامبول ۱۳۱۰ قمری، کتاب احمد یا سفینه طالبی، دو جلد، اسلامبول ۱۲ - ۱۳۱۱، ترجمه فیزیک یا حکمت طبیعی، اسلامبول، ۱۳۱۱، ترجمه هیئت جدید از فلاماریون، اسلامبول ۱۳۱۱، ترجمه پندنامه مارکوس قیصر روم، اسلامبول ۱۳۱۲، مسالک المحسنین، قاهره ۱۳۲۳، مسائل الحیات، تفلیس ۱۳۲۴، ایضاحات در خصوص آزادی، تهران ۱۳۲۵؛ سیاست طالبی، تهران ۱۳۲۹...^۱ بر آن بود که تیاتر یا نمایشنامه‌ای هم بنویسد که موضوعش بی‌ارتباط با اعتراض بر وکالت مجلس او نبود. شعر سیاسی هم سروده و آنها را نخستین اشعار پولیتیکی فارسی شمرده است. همه آثار نویسنده ما نخستین بار در خارج از ایران و به خرج خود به طبع رسید مگر ایضاحات در

^۱ - ایضاحات در خصوص آزادی و سیاست طالبی، به کوشش زنده‌یاد ایرج افشار، در کتاب مستقلى به نام آزادی و سیاست در سال ۱۳۳۶ و توسط انتشارات سحر در تهران منتشر شده است.

خصوص آزادی و سیاست طالبی که در عصر مشروطه و آزادی در تهران منتشر گشت، یکی در حیات او و دومی پس از مرگش. (همان، ۴ - ۳)

طالبوف میرزا حسن رشدیه را به عنوان وصی ادبی خود تعیین می‌کند و در نامه‌ای به تاریخ ۲۸ محرم ۱۳۲۴، خطاب به وی می‌نویسد: «بنده عبدالرحیم بن شیخ ابوطالب تبریزی، طبع همه تألیفات و ترجمه‌های خود را در حال حیات و کتاب مسائل الحیات و مسالک المحسنین را بعد از وفات به اختیار جناب حاجی میرزا حسن مدیر مکتب رشدیه واگذاردم که خود یا دیگری را رخصت طبع دهد. غیر از ایشان احدی حق ندارد که حقوق و زحمات ادبیات مرا غصب یا تصرف نماید. اگرچه وارث من باشد. مگر این که شخصی از خارج ایران از من خواهش طبع نماید و اذن بدهم، اذن موقتی خواهم داد نه دائمی. همچنین حق طبع کتب بنده فقط مخصوص شخص آقای میرزا حسن است نه اخلاف او. بعد از ایشان، طبع همه مؤلفات بنده بی استثنا آزاد است.» (آزادی و سیاست، افشار: ۷۷)

۳-۳ حاج زین العابدین مراغه‌ای

حاجی زین العابدین مراغه‌ای، مؤلف سیاحتنامه، بازرگان زاده‌ای ایرانی بود که در شهر مراغه در سال ۱۲۵۵ هـ ق به دنیا آمد و در شانزده سالگی به حجره پدر رفت. در بیست سالگی برای تجارت راهی اردبیل شد و کم‌کم برای خود دستگاهی به هم زد و اسب و نوکر و تفنگ‌دار فراهم کرد و به قول خودش بنای اعیانی و «قولچوماقی» گذاشت و حتی با مأموران دولتی درافتاد اما خیلی زود روزگارش به پریشانی کشید و زندگی در ایران برای او سخت شد. ناچار به همراه برادرش به قفقاز رفت و بعدها در یالتا مقیم شد. کارش کم‌کم بالا گرفت به حدی که سر و کارش با درباریان افتاد و به امپراتریس روس معرفی شد و به اصرار درباریان تابعیت روس را پذیرفت. وی سالها با این تابعیت زیست اما از اینکه «طوق لعنت تبعیت اجنبی» را به گردن آویخته بود، خود را سرزنش می‌کرد. بعدها با وساطت سفیر کبیر ایران در عثمانی - میرزا محمود خان علاء الملک - تقاضای ترک تابعیت کرد و پس از چهار سال دوندگی از تابعیت روس درآمد. او با شوق و علاقه وافر در راه خدمت به وطن از راه قلم به مبارزه پرداخت و مقالات سودمندی در روزنامه‌های شمس استانبول و جبل المتین کلکته نوشت و سرانجام در سال ۱۳۲۸ ق در هفتاد و سه سالگی در استانبول درگذشت. (از صبا تا نیما، آراین پور: ۳۰۶)

۳-۳-۱ آثار زین‌العابدین مراغه‌ای

تنها اثر زین‌العابدین مراغه‌ای، سیاحتنامه ابراهیم بیک است. در بررسی این اثر مورخان معاصر، به تأثیر عظیم این کتاب در آگاهی و تهییج مردم اشاره کرده‌اند برای نمونه تنها به ذکر سه مورد اکتفا می‌شود؛

ناظم الاسلام کرمانی در تاریخ بیداری ایرانیان اشاره می‌کند که سیاحتنامه در انجمنها و محافل آزادی خواهان خوانده می‌شده و «هالی انجمن و فدائیان وطن بعضی به حال تباهی و بعضی از کثرت حزن و غم از خود رفته و حالت بهت به آن‌ها دست داده تا چندی حالت یک کلمه سخن گفتن باقی نبود. هم و غم غریبی عارض هر یک گردیده به اوضاع غریبه مملکت و گرفتاری‌های عجیبه این ملت سر به گریبان تعجب و حیرت و سرافکندگی و فکرت فرو برده» (تاریخ بیداری ایرانیان، ناظم الاسلام کرمانی: ۱۷۷)

احمد کسروی در تاریخ مشروطه ایران می‌نویسد: «اما سیاحتنامه ابراهیم بیگ، ارج آن را کسانی می‌دانند که آن روزها خوانده‌اند و تکانی را که در خواننده پدید می‌آورد به یاد می‌دارند... انبوه ایرانیان که در آن روز خو به این آلودگی‌ها و بدی‌ها گرفته بودند و جز از زندگانی بد خود به زندگانی دیگر گمان نمی‌بردند، از خواندن این کتاب تو گفتمی از خواب غفلت بیدار می‌شدند و برای کوشیدن به نیکی کشور آماده گردیده و به کوشندگان دیگر پیوسته‌اند. در نتیجه این هنایش (= تأثیر) او در خوانندگان بود که به پراکنده شدنش در میان ایرانیان خرسندی نمی‌دادند و تا دیرگاهی مردم آن را در نهان خواندندی» (تاریخ مشروطه ایران، کسروی: ۴۵)

آیت الله سید محمد طباطبایی از رهبران جنبش مشروطیت نیز «برای آگاهی عموم وطن دوستان از خرابی و نواقص» اوضاع آن عصر و «به جوش آوردن خون غیرت و حمیت ملی» و دعوت مردم به اتفاق و اتحاد، خواندن کتاب را به همگان سفارش می‌فرمود. (دیداری با اهل قلم، یوسفی: ۱۱۲)

۴- زمینه‌های مشترک فکری آثار طالبوف، مراغه‌ای و میرزا حبیب

بررسی آثاری که در آستانه پیروزی انقلاب مشروطیت و بعد از آن پدید آمده‌اند، گویای این واقعیت است که نثر فارسی، بالاخره پس از غلبه هزار ساله شعر فارسی، هویت مستقلی یافته و نوآوری نویسندگانی چون میرزا عبد اللطیف طسوجی با ترجمه هزار و یک شب (۱۲۵۹ قمری)، قائم مقام فراهانی (۱۲۵۱ - ۱۱۹۳ قمری) با منشآت و مجدالملک سینیکی با رساله انتقادی سیاسی کشف‌الغرایب یا رساله مجدیه (۱۲۸۷ قمری)، مانند میراثی ارزشمند به نویسندگان روشنگر و آزاد اندیش و منتقد عصر ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه رسید و آنها، مضامین سیاسی و انتقادی و روشنگرانه را با نثری ساده‌تر و با رویکردی واقع‌گرایانه‌تر در آمیختند و نویسندگانی مانند طالبوف، میرزا حبیب اصفهانی و زین‌العابدین مراغه‌ای، با تلاش برای عامه فهم کردن نوشته‌های خود، هدفهای اصلاح‌طلبانه و سیاسی خود را علیه استبداد، جهل، عقب‌ماندگی‌های فرهنگی و اجتماعی، خرافه گرایی، بی‌قانونی پیش بردند و هم‌زمان در راستای اعتلای داستان‌نویسی و اندیشه‌ورزی گام برداشتند. گفتنی است که اگر ترجمه میرزا حبیب را هم جزو این آثار بررسی شده است، به این دلیل است که وی در ترجمه خود حضور مولفانه‌ای دارد و اثر جیمز موریه را به گونه‌ای برگردان کرده که انگار اثر مستقلی به قلم خود اوست و با تصرفاتش در ترجمه، متن فارسی آیینی اوضاع سیاسی - اجتماعی شده است. کوتاه سخن آن‌که میرزا حبیب در ترجمه این کتاب تنها به برگردان متن از منبع اصلی اکتفا نکرده است و متن او نسبت به متن اصلی اضافاتی دارد که به نوعی نماینده ادبیات شخصی اوست. دکتر غلامحسین یوسفی اعتقاد دارد که میرزا حبیب با هنر ترجمه‌اش توانسته است از قصه‌ای که لحن استعماری دارد، «قصه‌ای ضد استعماری بیافریند.» (پیشین: ۲۴) طالبوف، مراغه‌ای و میرزا حبیب، نویسندگان میهن پرستی هستند که عشق به وطن، در سرتاسر آثارشان موج می‌زند و ضرورت تمکین در برابر قانون، نقد استبداد، انتقاد از تعصبات و اختلافات مذهبی، ضرورت رشد فرهنگی مردم، انتقاد از رواج خرافه گری و ... موضوع غالب و البته مشترک آثار آنهاست که به این موضوعات مشترک اشاره می‌کنیم:

۱-۴ نقد استبداد و حکومت‌های مستبدانه

بی‌گمان یکی از مهمترین ویژگیهای نقد سیاسی نویسندگان مورد بحث، پرداختن به نارسایی‌های اساسی و وضعیت نابسامان سیاسی است که به زعم اینان، ریشه اساسی و عمده

خرابی‌ها و نارسایی‌های سیاسی و حتی اجتماعی موجود، ریشه در ظلم و خودکامگی حکومتها دارد:

- خودسری تولید حسد و بی‌شرمی و تملق می‌کند. از این جهت در سلسله‌ای که خود را نجبا می‌شمارند، خواص ممدوحه آدمی کمتر از سایرین است. (پندنامه مارکوس، طالبوف: ۱۰)

- گوشه‌نشینی خردمندان و قدرت بی‌خردان و اراذل از آثار حکومت مطلقه است. (مسائل الحیات، طالبوف: ۱۱۷)

در این مملکت، در پیش وزیر جنگی که در تکبر و تجبر از فرعون و شداد خود را بالاتر می‌داند، این‌گونه صحبتها را نمی‌توان کرد. اینان به جز از چاپیدن مملکت و خیانت کردن به دولت و ملت از سایر اوضاع زمان به هیچ چیز آگاهی ندارند. (سیاحتنامه ابراهیم بیگ، مراغه‌ای: ۷۹)

۲-۴ نقد اختلافات و تعصبات مذهبی تفرقه‌های مذهبی

اختلافات و تعصبات مذهبی، همواره مانع از دیده شدن حقیقت دین بوده و ریشه‌ای دیرپا در ایران دارد. رویکرد انتقادانه طالبوف و مراغه‌ای و میرزا حبیب به این موضوع، رد پر رنگی در آثارشان دارد و در کسی مانند طالبوف، این موضوع، در توصیه به پرهیز از تفرقه‌های مذهبی نمود بارزتری دارد:

- [با اتحاد مذهب شیعه و سنی] رفع اختلاف منتج ضعف مخرب ارکان استقلال دول اسلام حاصل می‌شود. عداوت و عصبیت مصنوعی که سلاطین صفویه و آل عثمان برای پولتیک جهانگیری خودان سر زده اسباب نکبت و انقراض قریب‌الوقوع امروزی اخلاف خود را فراهم آورده‌اند، بدل به محبت طبیعی آسیایی و مشرقی و مسلمانی گردد. (مسالك المحسنين، طالبوف: ۱۳۵)

- در بسیاری از شهرهای بزرگ ایران در میان اهالی جنگ حیدری و نعمتی هست و به هواخواهی این دو نام که هیچ یک از غوغائیان نمی‌شناسند، همه ساله خونها ریخته می‌شود

که طرف غالب به خانه‌ها و دکانین مغلوبین افتاده، از غارت اموال نیز خودداری نمی‌کنند. (سیاحتنامه ابراهیم بیگ، مراغه‌ای: ۱۵۶)

- اگرچه در مدت اقامت در ایران بروز نمی‌داد اما دشمن شیعیان بود. (حاجی بابای اصفهانی، میرزا حبیب: ۳۴-۳۵)

- بیچاره عثمان آقا از هول جان، ترسان و لرزان شروع کرد به لعنت بر شیعیان علی و به رحمت بر پیروان عمر... اما ترکمانان ملعون نه به نام علی رحمتی رانند و نه به نام عمر، فاتحه‌ای خواندند.» (همان: ۴۶-۴۷)

۳-۴ نقد ناآبادانی و ولن‌گاری جای جای کشور

ایران معاصر طالبوف و مراغه‌ای و میرزا حبیب، ایران عصر ناصری، مظفرالدین شاه و بعد مشروطه است که به دلایل متعددی نظیر فقر فرهنگی، فقر بهداشت عمومی، پایین بودن سواد عمومی مردم و ... چندان آبادان نیست و این ناآبادانی در جای جای آثار اینان به چشم می‌خورد. البته نگاه طالبوف در این زمینه دلسوزانه‌تر است و توقع دارد روحیه ایرادگیری از وضعیت نا به سامان منتقدانه، منصفانه‌تر باشد ولی در عین حال معتقد است که این بی‌نظمی و ولن‌گاری وجود دارد:

- تا در مجلسی حرف بی‌نظمی ایران به میان می‌آید، از حضار هر کس دنباله یک عیب چشم‌انداز وقیح بدیهی را می‌گیرد، می‌گوید، دلسوزی می‌کند، دهنش کف می‌آورد، دنیا را به هم می‌زند و مجلس با تکرار فواحش پر می‌شود که... راه نداریم و برای زراعت آب نداریم، پول نداریم، معرفت نداریم، معرفت نداریم، مکتب نداریم... اما یک نفر نمی‌گوید که چه بکنیم همه را داشته باشیم. (آزادی و سیاست، افشار: ۲۰۰-۲۰۱)

- هر ناخوشی که آنجا [بیمارخانه حضرتی مشهد] برود هر قدر که آنجاست بیمار است، مگر خود از آنجا گریخته و در جای دیگر از لطف خدا شفا یابد چون در آنجا نه طبیب معین و نه دارو هست. از نظافت و سایر لوازم بیمارخانه هم اثری نیست. (سیاحتنامه ابراهیم بیگ، مراغه‌ای: ۳۲)

- فردای آن، طرف ظهری به مسجد جمعه [مراغه] که در حوالی کاروانسرا و نزدیک به منزل ما بود رفتیم که نماز را در آنجا بخوانیم... دیدم در یک طرف آن مسجد عالی، خربزه انبار کرده‌اند. (همان: ۱۴۷)

۴-۴ نقد نظام وارداتی ایران و بی‌اعتنایی به تولید ملی

عصری که صاحبان نویسندگان مورد بحث در آن زندگی کرده‌اند، روزگار گسترش ورود سرمایه و کالای فرنگی و طبیعتاً کم‌رنگ شدن وضعیت کالاها و تولیدات ملی است که انتقادات صریحی از این وضعیت در آثار مورد بررسی به چشم می‌خورد:

- در خاک روسیه با اطلاعات آخری، هر ساله یک کروار خروار پنبه به کارخانه‌های نساجی نخ‌ریسی صرف می‌شود. وطن ما اقل‌ده یک مبلغ را می‌توانست به بازار روسیه بفرستد. بدبختانه، از یک طرف تغافل کارداران و از یک طرف تکاهل پنبه‌کاران، دست به دست هم داده... ذره‌ای اقدامات به کار نبردند. (کتاب احمد، طالبوف: ۹۵-۹۶)

- اینان تاجر نیستند. مزدوران فرنگ‌اند و بلکه دشمنان وطن خودشان هستند زیرا که همه ساله به دامن نقود مملکت را بار کرده به ممالک خارجه می‌ریزند و در مقابل، امتعه قلب و ناپایدار فرنگستان را به هزار گونه زحمت و مشقت بر خودشان حمل کرده به وطن نقلی دهند. (سیاحتنامه ابراهیم بیگ، مراغه‌ای: ۱۷۱)

- کرباس و چیت همدان، قلمکار اصفهان، مخمل کاشان، قالی خراسان سالی چند کروار حمل روسیه می‌شد... ولی الان مال قلب مسکو مال‌التجاره ایران شده و ایرانی از کاغذ قرآن تا کفن اموات، محتاج به فرنگستان است. (سیاست طالبی، طالبوف: ۱۹۳)

۴-۵ نقد نظام آموزشی و تربیتی در ایران

بی‌سوادی معلمان و پایبندی‌شان به آموزشهای سنتی هم از دیگر موارد مورد نقد نویسندگان عصر مشروطه است که میرزا حبیب و مراغه‌ای و طالبوف هم جزو همین نویسندگان‌اند:

- یکی می‌گفت تربیت و ادبیات ما مخرب ارکان شرم طبیعی و آزرم بشری ما شد. اطفال ما از بزرگان خود جز... هزار فواحش و سایر نامربوطات دیگر نمی‌شنوند و از معلمین نتراشیده در مکاتب، باب هشت در عشق و جوانی چنان‌که افتد و دانی یا حکایت قاضی همدانی... (سیاست طالبی، طالبوف: ۱۹۸)

- جناب آخوند، حافظ چه دخلی به درس دارد؟ گفت یعنی چه؟ حافظ شیرازی دخل به درس ندارد. گفتم معلوم است که دیوان حافظ عبارت از اشعار متین است در تصوف که از خوانندگان کمتر کسی معنی آن را می‌فهمید. اطفال از خواندن آن‌که ظاهراً سراپا سخن از باده و ساده و محبوب و عشق‌بازی است چه بهره‌ای حاصل توانند نمود. (سیاحتنامه ابراهیم بیگ، مراغه‌ای: ۴۶)

۶-۴ نقد خرافاتی‌گری

رواج و گسترش خرافه‌گرایی، ریشه‌ای دیرپا در این ملکت دارد که ارتباط مستقیمی با نداشتن درک صحیح از واقعیت دین و معرفت دینی دارد که در آثار طالبوف، میرزا حبیب و زین‌العابدین مراغه‌ای، ردّ پر رنگی دارد:

- اگر روز دوشنبه کاری کنیم بد تمام میشود، سود بکنیم بی‌سود درآید، مکتوب بنویسیم کدورت آورد، مزرعه بخریم بذر نمی‌دهد و به هرچه اقدام نماییم، بی نتیجه می‌ماند. (مسالک‌المحسنین، طالبوف: ۷۰)

- در هر خانه که این دعا محفوظ باشد، فرشتگان صبح و شام به زیارت آن خانه می‌آیند و اگر درکفن خود بپیچند، در خانه قبر ملائکه غلاظ و شداد از او روی برمی‌گردانند. (سیاحتنامه ابراهیم بیگ، مراغه‌ای: ۱۵۳-۱۵۴)

- حالت مقدسین را دانستم. حکیم که در ظاهر آن همه تقدس خرج می‌دهد، در داخل شراب خلر شیراز به کار می‌برد. بلی: زاهدان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند/چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند. (حاجی بابای اصفهانی، میرزا حبیب: ۲۴۵)

- این مادیان گویا پشت به پشت به مادیانی می‌پیوندند که پیغمبر در وقت هجرت از مکه به مدینه سوار شده است. (همان: ۲۵۲)

۴-۷ نقد قضا قدری و جبری مسلک بودن ایرانیان

تقدیرگرایی و دنیا‌گریزی نیز در باورهای جامعه ایرانی ریشه دیرینه‌ای دارد و از دیر باز محل بحث و مناقشه نویسندگان و اندیشمندان ایرانی بوده است و در آثار مورد بحث نیز، اشارات منتقدانه مستقیمی نسبت به آن می‌بینیم:

- تمام محلات شهر ماتم زده و صاحب عزایند... یک ماه است بلای آبله از آسمان به زمین نازل شده... پرسیدم مگر آبله کوبی نکرده بودید؟... گفت چه آبله کوبی، اینها همه قول فرنگان است. مشیت الهی بدین تعلق گرفته بود. (سیاحتنامه ابراهیم بیگ، مراغه‌ای: ۱۸۵)

- رفیق بیا قلیان بکش. اندوه مکش... غم مدار. هرچه بر انسان می‌آید به خواست خداست و چاره به دست خدا... با قسمت معارضه و با طالع ستیزه نمی‌توان کرد. (حاجی بابای اصفهانی، میرزا حبیب: ۱۰۱-۱۰۲)

۴-۸ نقد دیدگاه ایرانی‌ها راجع به غربیان و دیگر کشورها و مظاهر غربی پیشرفت

رویکرد سه نویسنده مورد اشاره به موضع ایرانیها نسبت به غربیها، اگرچه در پاره‌ای از جاها طنزآمیز به نظر می‌رسد اما طنز مزبور، نزی تلخ و هشدار دهنده است:

- اطبای پدرسوخته فرنگستان همه دروغ می‌گویند که میکروبهای ناخوشی از کثافت تولید می‌شوند. اگر چنان است پس چرا اینان با این همه کثافت ناخوش نمی‌شوند. (سیاحتنامه ابراهیم بیگ، مراغه‌ای: ۱۲۰)

- در باب طبایع و اخلاق فرنگان بر رأی منیر مهر تنویر پادشاهی واضح و هویدا است که این قوم مستحق اللوم نجس و کافرند. چرا که تکذیب پیغمبر ما و استهزا بدین ما می‌کنند. علی روس الاشهاد شراب می‌نوشند و گوشت خوک می‌خورند. (حاجی بابا اصفهانی، میرزا حبیب:

- این فرنگان نمی‌دانم از کجا پیدا شده‌اند... به غیر از انگلیز و فرانسه که از قرار معلوم چیزکی‌اند سایرین را کالمعدوم هم نمی‌توان شمرد. اگر روس را می‌فرمایید آن فرنگی نه، از سگ هم کمتر است... روسیان پطری دارند که دیوانه حسابی است. ترکان بیخود دلی پطرو نگفته‌اند. (همان: ۲۷۷)

- شخص موثقی می‌گفت روزی در مجلس، سخن از تشکیل بانک به میان آمد. یکی محسنات او را ذکر می‌نمود. گفت لذت و منافع او برای ایرانی مجهول است. هر جا تخم او را کاشته‌اند اهالی آنجا لذت ثمر او را میدانند. یکی از وزرا گویی در خواب بود بیدار شد. گفت گمان ندارم «بالنگ» ما از «بانک» فرنگی‌ها بهتر نباشد. چه عیب دارد. بادنجان سرخ [=گوجه فرنگی] را کاشتید، خوردیم بد چیزی نیست. او را هم بیاورید بکارید. می‌خوریم. آن وقت می‌دانیم کدام بهتر است. (آزادی و سیاست، افشار: ۲۱۱-۲۱۲)

۵- نتیجه‌گیری

عبدالرحیم طالبوف، زین‌العابدین مراغه‌ای و میرزا حبیب اصفهانی در عصری زندگی کردند که از طرفی تجربه شکستهای پیاپی ایران از روسیه در دو جنگ را پشت سر داشت که دولتمردان ایرانی را مجاب کرده بود تا تکانی به خود دهند. از طرفی هم خیزشهای بلند اجتماعی، فرهنگی سیاسی را پیش رو داشت که می‌رفت تا به انقلاب مشروطه منجر شود. این سه نویسنده و البته نویسندگان دیگر معاصرشان نظیر میرزا ملکم‌خان، آخوندزاده و میرزا آقاخان کرمانی، هریک به فراخور خود، به دلیل آشنایی با دلایل عقب‌ماندگی ایران عصر قاجار و اقامت و یا تردد در خارج از مرزهای وطن و دانستن زبانهایی غیر از زبان مادری‌شان و آشنایی با فرهنگ کشورهای دیگر و البته ادبیات جهان و دلایل دیگری که در حین مقاله بدان پرداختیم، با نوشته‌های خود سعی در تنویر افکار عمومی و روشنگری داشتند و تا حدودی هم موفق شدند. نقد نظام استبدادی ایران، ضرورت اصلاح ساختهای سیاسی، اعتقادی، نظامهای آموزشی، ساز و کارهای اقتصادی و ... در کنار عشق و علاقه بی حد و اندازه‌شان به وطن که به ناچار از آن دور افتاده بودند، چارچوب آثار عبدالرحیم طالبوف، زین‌العابدین مراغه‌ای و میرزا حبیب اصفهانی را تشکیل می‌دهد که چون عمدتاً در قالب نثری تحول یافته و پاکیزه نوشته شده‌اند، هنوز هم از پس یک قرن و اندی این آثار را خواندنی می‌کند.

فهرست منابع و مآخذ

۱. - افشار، ایرج، آزادی و سیاست، انتشارات سحر، تهران، ۱۳۳۶
۲. - امیر احمدی، مهران، راهبران فکر مشروطه، نشر درس، تهران، ۱۳۸۵.
۳. - آرین پور، یحیی، از صبا تا نیما، تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی، زوار، تهران، ۱۳۷۵.
۴. - بهار، محمد تقی، سبک شناسی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۵.
۵. - بهبودی، هدایت الله، درباره ادبیات نوین ایران پیش از نهضت مشروطیت، چاپ اول، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۶. - مبانی فکری ادبیات مشروطه، حسن اکبری بیرق، پایا، تهران، ۱۳۷۵.
۷. - پیرزاده نائینی، محمد، سفرنامه حاجی پیرزاده، به کوشش: حافظ فرمانفرمائی، انتشارات بابک، تهران، ۱۳۴۳.
۸. - تقی‌زاده، سید حسن، خاطرات سید حسن تقی‌زاده. در: علی جانزاده. خاطرات سیاسی رجال ایران از مشروطیت تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، جانزاده، تهران، ۱۳۸۲.
۹. - حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴.
۱۰. - دولت‌آبادی، یحیی، حیات یحیی، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۸۷.
۱۱. - رئیس‌نیا، رحیم، ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، ستوده، تبریز، ۱۳۷۴.
۱۲. - طالب‌اف، عبدالرحیم، آزادی و سیاست، به کوشش ایرج افشار، انتشارات سحر تهران، ۱۳۵۷.
۱۳. - طالبوف، میرزا عبدالرحیم، تحفه سپهری، اختر، استانبول، ۱۳۱۰
۱۴. - طالبوف، میرزا عبدالرحیم، ترجمه پند نامه مارکوس، اختر، استانبول، ۱۳۱۰
۱۵. - طالبوف، میرزا عبدالرحیم، رساله فیزیک، اختر، استانبول، ۱۳۱۱
۱۶. - طالبوف، میرزا عبدالرحیم، رساله هیئت جدید، استانبول، ۱۳۱۲
۱۷. - طالبوف، میرزا عبدالرحیم، سیاست طالبی به کوشش حاجی سید ابراهیم، تهران، ۱۳۲۹
۱۸. - طالبوف، میرزا عبدالرحیم، سفینه طالبی یا کتاب احمد (ج ۱)، استانبول، ۱۳۱۱
۱۹. - طالبوف، میرزا عبدالرحیم، سفینه طالبی یا کتاب احمد (ج ۲)، استانبول، ۱۳۱۲

۲۰. - طالبوف، میرزا عبدالرحیم، مسائل الحیات، تفلیس، ۱۳۲۴
۲۱. - طالبوف، میرزا عبدالرحیم، مسالک المحسنین، قاهره، ۱۳۲۳
۲۲. - طالبوف، عبدالرحیم، مسالک المحسنین به کوشش محمد باقر مؤمنی، چاپ اول، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، تهران، ۱۳۴۷.
۲۳. طباطبایی، سید جواد. (۱۳۸۴)، تأملی درباره ایران، دیپاچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران. جلد نخست، نشر نگاه معاصر، تهران، ۱۳۸۴.
۲۴. - کرمانی، ناظم الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، ابن سینا، تهران، ۱۳۲۴.
۲۵. - کریستف بالائی و میشل کویی پرس، سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی، مترجم: دکتر احمد کریمی حکاک، چاپ سوم، انتشارات معین، تهران، ۱۳۸۷.
۲۶. - کسروی، احمد، تاریخ مشروطه امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱.
۲۷. - موریه، جیمز، سرگذشت حاجی بابا اصفهانی در ایران، مترجم: میرزا حبیب اصفهانی «دستان»، به کوشش دکتر یوسف رحیم‌لو، انتشارات حقیقت، آذربایجان شرقی، ۱۳۵۴.
۲۸. - مهرور، زکریا، بررسی داستان امروز (از دیدگاه سبک و ساختار)، تیرگان، تهران، ۱۳۸۰.
۲۹. - مراغه‌ای، زین‌العابدین، سیاحتنامه ابراهیم بیک. به کوشش محمدعلی سپانلو، آگه، تهران، ۱۳۸۸.
۳۰. - نصرتی، عبدالله، یاد آر ز شمع مرده یاد آر، تحلیل اجتماعی شعر مشروطیت، انتشارات مفتون همدانی، همدان، ۱۳۷۹.
۳۱. - یوسفی، غلامحسین، دیداری با اهل قلم، درباره بیست کتاب نثر فارسی، جلد دوم، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۵۸.